

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین قرآن

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

در این دوره درباره‌ی تبیین قرآن و نحوه‌ی بهره‌مندی از هدایت این کتاب نورانی سخن خواهیم گفت؛ و به این موضوع می‌پردازیم که چگونه می‌توان منظور حقیقی خدا را از کلامش دریافت. این مبحث در هفت گفتار و طی هفت هفته‌ی متوالی جهت استفاده‌ی علاقمندان ارائه می‌گردد.

درس پنجم: تمسک و مراجعه

در جلسه‌ی گذشته به این مطلب اشاره داشتیم که نه تنها مردم عصر رسول خدا؛ بلکه مردمان همه‌ی اعصار، برای بهره‌مندی از قرآن، به مبین نیاز دارند. بسیاری از علوم و مفاهیم قرآنی در زمان پیامبر اسلام تبیین نشد و از همین رو، ایشان جانشینانی برای امر هدایت مردم و تبیین قرآن معرفی فرمود. رسول رحمت ضمانت کرده در صورتی که مردم به قرآن و مبین آن متمسک باشند، هرگز گمراه نخواهند شد. در این جلسه به بررسی معنای تمسک و نحوه‌ی متمسک شدن به قرآن می‌پردازیم.

معنای تمسک:

تمسک، به معنای «اعتصام = چنگ زدن»^۱ و چسبیدن دو شیء به هم است؛ به گونه‌ای که جدا کردن آن دو از هم بسیار دشوار باشد؛ مانند چسبیدن پوست به گوشت^۲. مانند چسبیدن رنگ به دیوار. رنگ آنچنان به دیوار می‌چسبد که گویی جزیی از آن است. هرکس به دیوار اشاره کند، ناخودآگاه رنگش را هم مد نظر قرار داده است.

فرستاده‌ی صدیق خدا، محمد امین ضمانت کرده که اگر امتش پس از او اینچنین به قرآن و عترت متمسک باشند، همواره در مسیر سعادت‌اند و هیچ‌گاه گمراه نخواهند شد. در واقع هرکس خواهان هدایت است، باید در همه‌ی امور به کتاب خدا و عترت رسولش «مراجعه» نماید و سعادت و هدایت را در جوار آن دو بجوید.^۳

تمسک به قرآن:

قرآن، بیان کننده‌ی همه چیز است^۴ و چیزی نیست که در قرآن نیامده باشد^۵.

اما چگونه است که حتی چگونگی انجام واجباتی مانند نماز و حج، در آن دیده نمی‌شود؟! تمسک و مراجعه به قرآن، چگونه می‌تواند ضامن هدایت ما گردد؛ وقتی در ابتدایی‌ترین مسائل هم نتواند روشن‌گری کند؟

در جلسات گذشته به این موضوع پرداختیم که بدون مبین، بسیاری از آیات قرآن برای ما مبهم و غیر قابل استفاده هستند؛ و اصلاً دلیل خدا از نزول قرآن جز این نبوده که توسط مبین الهی برای مردمان تبیین شود و اختلافات آنها را برطرف سازد^۱. بنابراین، تمسک به قرآن، بدون تمسک به مبین آن، بی‌معنی است. از همین رو رسول خدا پس از آنکه به مردم توصیه می‌کند به قرآن متمسک شوند تا شفا و نجات و پاداش الهی را از آن خویش سازند، معنای تمسک حقیقی به قرآن را چنین می‌فرماید:

"آیا می‌دانید کدام متمسک است که به این شرف عظیم دست می‌یابد؟ کسی که قرآن و تأویل آن را از ما اهل بیت بگیرد"^۲.

کسی که می‌تواند «کل شیء» یعنی «همه چیز» را از دل قرآن استخراج کند، مبین قرآن است. زبان گویای قرآن، مبین آن است. چه زیبا امیر مؤمنان درباره‌ی قرآن می‌فرماید:

"شما این قرآن را به سخن آرید! هیچگاه برای شما سخن نخواهد گفت؛ ولی من برای شما می‌گویم که مقصود از آیات آن چیست.^۳ این کتاب، ساکت است و من بیانگر او هستم و غرض از عبارات آن را بیان می‌کنم. پس شما تمسک به کتاب ناطق کنید و از حکم کردن به کتاب صامت بپرهیزید؛ چون قرآن زبان گویایی جز من ندارد."^۴

حال، که دانستیم "تمسک حقیقی به قرآن جز در پرتو روشنگری‌های مبین قرآن ممکن نخواهد بود"، زمان آن رسیده تا درباره‌ی چگونگی تمسک به مبین قرآن سخن بگوییم.

تمسک به اهل بیت (تبیین‌کنندگان قرآن):

آیا مقصود نبی اکرم از تمسک به اهل بیت، تنها تمسک به روایات آنها بوده است؟ یا اینکه مراجعه به اهل بیت با مراجعه به احادیث ایشان تفاوت دارد؟

تمسک به کلام اهل بیت، در راستای مراجعه به عترت است؛ اما به معنای تمسک واقعی و کامل به وجود مبین نیست. چراکه آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارند که درباره‌ی آنها کلامی از پیامبر و اهل بیتش به دست ما نرسیده است. در بسیاری موارد هم که مبین درباره‌ی کلام خدا توضیح داده، شرایط و سطح درک و فهم سوال کننده را لحاظ کرده و متناسب با شرایط آن لحظه، مفهوم آیه را تبیین فرموده است. چه بسا اگر فرد دیگری از ایشان سوال می‌کرد، به جنبه‌ای دیگر از آیه می‌پرداخت و با کیفیت دیگری تبیین می‌فرمود. ^{۱۰}

در واقع، مراجعه به احادیث، شرط لازم برای مراجعه به اهل بیت است، اما کافی نیست. از همین روست که رسول خدا در حدیث ثقلین چنین فرمود که به کلام خدا و «کلام اهل بیت» متمسک شوید؛ بلکه فرموده به کتاب خدا و «اهل بیت» مراجعه کنید.

توجه به این نکته، بسیار مهم و حیاتی است که تمسک و مراجعه به عترت، لزوماً به معنای مراجعه به منزل آنها و دیدن چهره‌ی ایشان یا شنیدن صدایشان نیست. بلکه تمسک به اهل بیت به معنای توجه همیشگی به آنها به عنوان منبع علم، هدایت و خیر است. به معنای پذیرفتن ایشان به عنوان جانشینان حقیقی خدا بر روی زمین و درخواست هدایت و عنایت از جانب آنهاست.

نکته‌ی دیگر آن که: خداوند برای هر عصری مبینی زنده تعیین کرده تا مردمان با مراجعه به او از علم و هدایت قرآن بهره مند شوند. مردم این عصر هم مبین و هدایتگری زنده دارند که می‌توانند (و باید) به او مراجعه کنند. رسول خدا هدایتگر عصر ما را هم به صراحت معرفی فرموده:

"بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه‌ی آنها را بشمارم و معرفی کنم ... پس مامورم از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره‌ی امیر مؤمنان علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند؛ (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها به پا خواهد بود؛ و آخر ایشان «مهدی» است." ^{۱۱}

از همین روست که در زیارت آل یاسین بر مبین زنده‌ی این عصر – مهدی آخر الزمان که خداوند ظهورش را نزدیک گرداند – اینچنین سلام می‌دهیم:

"السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ ... السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتَاتِبُنُّ"

سلام بر تو ای تلاوت کننده‌ی کتاب خدا و تفسیر کننده‌ی آیات او ... سلام بر تو هنگامی که (کلام خدا را) می‌خوانی و تبیین می‌کنی.

نکات مهم این جلسه:

- تمسک، یعنی چسبیدن دو شیء به هم، به گونه‌ای که جدا کردن آن دو از هم بسیار دشوار باشد؛ مانند چسبیدن پوست به گوشت.
- پیامبر، هدایت کسانی را که به قرآن و اهل بیت متمسک باشند، ضمانت فرموده است.
- تمسک به قرآن، تمسک به مبین قرآن است.
- تمسک به اهل بیت، به این معناست که: ایشان را به عنوان جانشینان خدا و سرچشمه‌ی علم و هدایت قبول داشته باشیم؛ به آنها توجه کنیم؛ و از آنها هدایت و سعادت‌مندی طلب نماییم.
- استفاده از روایات تبیین کنندگان قرآن، تنها جنبه‌ای از تمسک به ایشان است.
- خداوند، برای مردم این عصر هم مبینی زنده انتخاب کرده تا مردم بتوانند با مراجعه به ایشان به هدایت و سعادت دست یابند.

-
- ۱- "والاعتصام: التمسک بالشیء": مفردات راغب، ذیل واژه‌ی «عصم».
 - ۲- مسک به معنای پوست است. اما نه فقط رویه‌ی پوست. بلکه ضخامت از پوست که به گوشت می‌چسبد: "والمسک: الجلد الممسک للبدن": مفردات راغب، ذیل واژه‌ی «مسک». از این روی هنگامی که می‌گوییم تمسک، منظورمان چسبیدنی است شبیه آنچه که پوست به گوشت می‌چسبد.
 - ۳- غربت، نصرت، مراجعه؛ نوشته مسعود بسیطی، فصل چهارم: مراجعه.
 - ۴- "وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ" یعنی: و ما بر تو این کتاب را که بیان کننده‌ی همه چیز است، نازل کردیم: قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۸۹.
 - ۵- "وَمَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ" یعنی: و ما چیزی را در این کتاب فروگذار نکردیم: قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۳۱. "وَلَا حَبِئَةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ" یعنی: و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب روشن [آمده] است.
 - ۶- "وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ" یعنی: و این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه در آن اختلاف دارند، تبیین کنی: قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۶۴. (مراجعه کنید به تبیین قرآن، جلسه سوم)
 - ۷- "أَتَدْرُونَ مَنْ الْمَتَمَسِكُ بِهِ الَّذِي (بتمسکه ینال) هذا الشرف العظيم؟ هو الذي أخذ القرآن وتأويله عنا أهل البيت": بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۲.
 - ۸- "ذلك القرآن فاستنطقوه ولن ينطق ولكن اخبركم عنه": نهج البلاغه، ص ۲۲۳.
 - ۹- "هذا كتاب الله الصامت وأنا المعبر عنه فخذوا بكتاب الله الناطق و ذروا الحكم بكتاب الله الصامت اذ لا معبر عنه غيري": العمده، ص ۳۳۰.
 - ۱۰- به عنوان نمونه امام صادق (ع) - ششمین مبین قرآن پس از رسول اکرم - درباره‌ی آیه‌ی "وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَتْ أَحْيَا النَّاسِ جَمِيعًا" گاهی تنها به جنبه‌ی نجات انسان از مرگ (مانند مردن در اثر تشنگی) اشاره فرموده؛ و گاهی با توجه به شناختی که درباره‌ی فهم و درک مخاطب داشته، جنبه‌ی عمیق‌تری از آن را بیان کرده و نجات آدمی از گمراهی به هدایت را نیز مصداق آیه‌ی مذکور دانسته است. بنگرید به: بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۷۰ و ج ۲، ص ۲۰.

۱۱- بخش‌هایی از خطابه غدیر: "ألا إنَّ الحلالَ والحرامَ أكثرُ من أنْ أحصِيَهُما وأعرِفَهُما ... فأمرتُ أنْ أخذَ البيعةَ مِنكُمُ والصفقةَ لكمْ بقَبولِ ما جئتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُلِئِمَّةٌ قَائِمَةٌ" و "خاتمة‌ها المهدى": بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳. و اليقين، ص ۳۵۸.